
تأثیر تعاملات اجتماعی بر اعتماد اجتماعی شهروندان تهرانی (مطالعه موردی منطقه ۳ و ۱۷ شهر تهران)

دکتر طلیعه خادمیان، مینا افخمی

چکیده: اعتماد اجتماعی از جمله دستاوردهای اجتماعی است که در روابط و تعاملات انسانی نقشی حیاتی ایفا می‌کند. محور اساسی تعاملات اجتماعی «اعتماد» است. نقش اعتماد در تعامل گروه‌های کوچک یا بزرگ متفاوت است. اعتماد باعث می‌شود افراد در روابط اجتماعی خود با دیگران هر گونه بدگمانی را کنار بگذارند و روابط صمیمانه‌ای برقرار کنند، بدون اعتماد چنین روابطی شکل نمی‌گیرد. در این تحقیق هدف ما بررسی این سؤال بود که در شرایط فعلی شهر تهران تعاملات اجتماعی چگونه می‌تواند در شکل‌گیری و نگه‌داشت اعتماد اجتماعی نقش موثری داشته باشد.

تحقیق حاضر علی-توصیفی است و روش مورد استفاده پیمایشی. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه بوده است. برای نمونه‌گیری از روش خوشه‌ای تصادفی استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه شهروندان بالای ۱۸ سال ساکن مناطق ۳ و ۱۷ شهر تهران در سال ۸۹ است. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد و براساس آن ۴۰۰ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. اعتماد اجتماعی با شش بُعد صداقت، صراحت، سهیم‌کردن، تمایلات همکاری، جویانه، اطمینان و اعتماد کردن سنجیده شده است. یافته‌های تحقیق حاکی از وجود رابطه معنادار بین متغیرهای تعاملات اجتماعی، پیوندهای اجتماعی، دگرخواهی، دینداری با میزان اعتماد اجتماعی است.

تاریخ پذیرش: ۹۱/۸/۱۵

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۴/۳۰

کلید واژه‌ها: اعتماد اجتماعی - تعاملات اجتماعی - دگرخواهی - دینداری - پیوند اجتماعی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، گروه علوم اجتماعی، تهران، ایران
دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، گروه علوم اجتماعی، تهران، ایران

مقدمه

اعتماد مفهومی کانونی در نظریه های کلاسیک جامعه شناسی و نیز محور اصلی نظریه های نوین سرمایه اجتماعی و زمینه ساز تعاملات و روابط اجتماعی است. اعتماد امری است آموختنی و در تجربه اجتماعی به وجود می آید، در تعامل اجتماعی ساخته می شود و پیوستگی فرد به اجتماع را قوی تر می کند. اعتماد در جای جای جامعه از ابتدایی ترین روابط همچون روابط خانوادگی که رابطه مادر و فرزند و ... را شامل می شود، آغاز و تا ارتباطات گسترده فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ادامه می یابد و به عنوان یک متغیر مهم و اساسی در اولویت قرار می گیرد. در سنین پایین، اعتماد در سطح خانوادگی و میان بستگان و در سنین بالاتر در محیط جامعه، مثل گروه های همسان و مراکز و نهادهای جامعه، شکل می گیرد.

در واقع اعتماد اجازه می دهد که افراد به راحتی با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و چون اعتماد تسهیل کننده کنش است، از آن به عنوان یکی از مهم ترین ابعاد سرمایه اجتماعی یاد می شود (کلمن، ۱۳۷۵: ۴۵۶).

اعتماد روابط اجتماعی را تسهیل می کند و به عنوان یک «کالای» جمعی منجر به تولید سرمایه اجتماعی می شود (لوهمن^۱، ۱۹۷۹؛ پوتنام^۲، ۱۹۹۵؛ گمبتا^۳، ۱۹۸۸؛ کلمن^۴، ۱۹۹۰).

مناسبات گوناگونی که افراد در روابط متقابل خود با یکدیگر ایجاد می کنند نیازمند ویژگی عام و مهمی است که همان اعتماد متقابل میان کنشگران درگیر در تعامل است. در هر رابطه اجتماعی، چه روابط اعضای یک گروه کوچک دوستانه یا یک گروه نخستین و چه روابط اعضای که مواضع گوناگونی را در جامعه اشتغال کرده اند، این ویژگی کم و بیش وجود دارد و تصور رابطه یا تعاملات اجتماعی بدون وجود حداقلی از اعتماد متقابل غیر قابل تصور است.

در زمینه های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی اعتماد مبادلات را سرعت می بخشد. در فضای مبتنی بر اعتماد ابزارهایی چون زور و اجبار برای تضمین داد و ستدها کارآیی خود را از دست می دهند و در عوض قصد افراد برای بازپرداخت ها و اعتقاد به درستکاری، افزایش می یابد. اعتماد کار بازار را رونق می بخشد. ما در تحقیق حاضر رابطه میان تعاملات اجتماعی و اعتماد اجتماعی را مورد بررسی قرار می دهیم.

1. Luhmann
2. Putnam
3. Gambetta
4. Coleman

مفهوم اعتماد در دیدگاه صاحب نظران جامعه‌شناسی جایگاه ویژه‌ای دارد. به همین دلیل آیزنشتات به درستی متذکر می‌شود که مهم‌ترین مسئله نظم اجتماعی برای بنیانگذاران جامعه‌شناسی، اعتماد و همبستگی اجتماعی است. یعنی بدون اعتماد پایدار نظم اجتماعی غیر ممکن است (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۲). نیکلاس لومان از زاویه کنترل و پیش‌بینی کنش اجتماعی با نگاهی کارکردی به اعتماد می‌پردازد. به ویژه در شرایط جامعه مدرن که توأم با پیچیدگی، ریسک و خطرپذیری است. در چنین شرایطی اعتماد، نقش مهمی در تبیین و حفظ نظم اجتماعی بازی می‌کند.

بیان مسأله

اعتماد شالوده زندگی و بی‌اعتمادی سرچشمه گرفتاری‌ها و نابسامانی‌هایی مثل بی‌ثباتی سیاسی، نارضایتی عمومی، رواج دروغ و نادرستی است و باعث کاهش انسجام و پیوستگی و پائین آمدن مشارکت افراد در جامعه می‌شود.

در کل، رعایت نکردن اخلاق در جامعه ناشی از بی‌اعتمادی است. دلیل سقوط مردم به ورطه‌های دورویی و چند شخصیتی شدن این است که اعتقاد و اعتماد عمومی تنزل یافته و آنها را دچار سرخوردگی کرده و به صوی چنین اعمالی سوق داده است.

بنابراین، می‌توان گفت با توجه به این که جامعه امروز ایران در کنار برخی شکاف‌ها، با آسیب‌ها و تهدیدات اجتماعی مواجه است (مانند احساس ناامنی اجتماعی، افزایش میزان بروز جرایم و میزان آسیب‌زایی این جرایم، احساس بی‌عدالتی اجتماعی، پرخاشگری و ...) و نیز در شرایطی که شاهد برخورداری جامعه جدید، از ویژگی‌های منحصر به فردی چون آینده‌گرایی، گستردگی و تنوع جوامع، پیچیدگی نهادها و افزایش ابهام، ناشناختگی، گمنامی و غریبه بودن با محیط اجتماعی و ... هستیم ضرورت توجه به اعتماد اجتماعی و نقش آن در حیات اجتماعی به واقعیتی جدی تبدیل شده است. اما سؤالی در تحقیق حاضر در پی پاسخگویی به آن هستیم، این است که در شرایط فعلی شهر تهران، تعاملات اجتماعی چگونه می‌تواند در شکل‌گیری و نگه‌داشت اعتماد اجتماعی نقش مؤثری داشته باشد؟

پیشینه و متون نظری

شارین جی گتو^۱ به این نتیجه رسیده است که هرچه افراد راحت تر بتوانند با هم کنار بیایند و کمتر از هم دور باشند (از نظر اجتماعی) اعتماد بیشتری بین آنها ایجاد می‌شود (شارین، ۱۹۹۶: ۱۳۲-۱۱۹؛ به نقل از امیر کافی ۱۳۷۵: ۱۱-۸).

پوتنام (۱۹۹۵) به این نتیجه رسیده است که وقتی افراد تعاملات اجتماعی بیشتری داشته باشند چه از نظر جسمی و چه از نظر روانی، شادتر و سالم تر خواهند بود. البته جاذبه فعالیت های اینترنتی برای نوجوانان و بزرگسالان کاملاً متفاوت خواهد بود (پوتنام، ۱۹۹۵). لوپس. اچ بلوم^۱ به این نتیجه رسیده است که تعاملات و کنش‌های متقابل عامل ایجاد کننده اعتماد هستند (بلوم، ۱۹۹۸: ۱۴۵-۱۳۳، به نقل از امیر کافی، ۱۳۷۵: ۹-۷). مسعود کوثری (۱۳۷۵) می‌گوید، هرچه تعامل‌های اجتماعی افراد از حمایت‌های عاطفی، اقتصادی و اجتماعی بیشتری برخوردار باشد، اعتماد بیشتری در بین آنان رشد می‌یابد. در پژوهشی که دکتر منوچهر محسنی در سال ۱۳۷۴، تحت عنوان «بررسی آگاهی‌ها، رفتارهای اجتماعی و فرهنگی» انجام داد، در ایران برای بررسی شاخص‌های سرمایه اجتماعی در ایران، به طور مشخص دو متغیر روابط اجتماعی و میزان اعتماد به هموطنان را مورد توجه قرار داده است.

امیرکافی در ۱۳۷۵ تحقیقی با عنوان «اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن» انجام داده است. مهم‌ترین متغیرهای مستقل وارده شده در این مدل تحلیلی عبارتند از: روابط اجتماعی (اظهاری یا ابزاری بودن رابطه فرد و سایر اعضای جامعه)، سرمایه اجتماعی، امنیت، تعهد (تعهد به یک رابطه و تعهد درونی) و مقبولیت اجتماعی. متغیر وابسته در این تحقیق اعتماد اجتماعی می‌باشد و ابعاد آن صداقت، صراحت، اطمینان، سهمیم کردن و تمایلات همکاری جویانه است (امیر کافی، ۱۳۷۵).

مفهوم اعتماد

اعتماد از لحاظ نظری عبارت است از انتظارات درست در مورد کنش های افراد دیگر؛ در زبان فارسی، اعتماد مترادف با تکیه کردن، واگذاشتن کار به کسی، اطمینان، وثوق و باور به کار گرفته می‌شود (عمید، ۱۳۶۹: ۲۰۱).

1. Sharin

1. Bluhm

گیدنز، اعتماد را اطمینان یا اتکا به ماهیت یا خاصیت شخص یا چیزی یا صحت گفته‌ای توصیف می‌کند. (گیدنز، ۱۳۸۰: ۱۱۰-۱۱۵، شایان مهر، ۱۳۷۹: ۶۵). می‌گوید، بی‌اعتمادی در بی‌اطلاعی یا مطمئن نبودن از شرایط ریشه دارد و ناشی از شناخت پذیر نبودن کنش‌های دیگران است (گامبتا، ۱۹۸۸: ۲۱۸). اعتماد آینده را قابل پیش‌بینی می‌کند و سبب می‌شود رفتار معطوف به آینده وضعیت روشنی داشته باشد (لوهان، ۱۹۷۹: ۱۰). به نظر زتومکا، اعتماد با شک و تردید از کنش‌های احتمالی دیگران در آینده همراه است (زتومکا، ۱۹۹۹: ۲۵).

اشکال اعتماد اجتماعی

۱- اعتماد بنیادی^۱

گیدنز از این اعتماد به عنوان «امنیت هستی‌شناختی» یاد می‌کند. منظور از امنیت هستی‌شناختی، اطمینانی است که اغلب موجودات انسانی از پیوستگی و استحکام هویت خود و محیط‌های اجتماعی و مادی اطراف خود دارند. به اعتقاد او، امنیت هستی‌شناختی یک پدیده احساسی است و در ناخودآگاه ریشه دارد. گیدنز معتقد است که تبیین این موضوع به بررسی مراحل و عوامل جامعه‌پذیری نیاز دارد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۶۳).

۲- اعتماد بین شخصی^۲

در اعتماد بین شخصی روابط چهره به چهره نقش اساسی دارد. به عبارتی اعتماد بین شخصی در حوزه تعاملات میان دوستان، همکاران و همچنین میان رئیس و کارمندان، معلم و شاگرد و غیره شکل می‌گیرد. در این نوع اعتماد حداقل دو نفر حضور دارند: اعتماد کننده و فرد مورد اعتماد. فرد مورد اعتماد ممکن است واکنش‌های متفاوتی از خود نشان دهد که می‌توان آن‌ها را به دو دسته کلی تقسیم کرد: واکنش‌های مثبت و واکنش‌های منفی. بنابراین اعتماد در صورتی شکل می‌گیرد که احتمال انجام دادن واکنش‌های مثبت بیشتر از واکنش‌های منفی باشد. در واقع اعتمادکننده به طرف متقابل حسن ظن پیدا می‌کند (کلمن، ۱۹۹۰: ۹۶).

۳- اعتماد تعمیم یافته^۳

این نوع اعتماد در حوزه ای فراتر از روابط چهره به چهره رخ می‌دهد و حاصل شبکه‌های موجود در سطح فرافردی است (غفاری، ۱۳۸۳: ۱۴). در واقع اعتماد تعمیم‌یافته از حوزه‌های

-
1. basic trust
 2. interpersonal trust
 3. generalized social trust
 4. trust of expert systems

خانوادگی، همسایگی، قومی، محلی و غیره را فراتر می‌رود و در سطوح ملی و همراه با شکل گیری دولت‌های مدرن نیز مطرح می‌شود. این نوع اعتماد مستلزم مشارکت و همکاری تمامی افرادی است که جامعه مدرن امروزی را تشکیل می‌دهند (امیرپور، ۱۳۸۶: ۳۲).

۴- اعتماد به نظام های تخصصی^۴

این اعتماد می‌تواند معطوف نمادها یا نظام های تخصصی باشد. نظام های تخصصی، آنهایی هستند که به اطلاعات یا مهارت های فنی یا مهارت های خاص مجهزند حوزه وسیعی از محیط های مادی و اجتماعی زندگی کنونی ما را سازمان می‌دهند. بیشتر افراد غیرمتخصص با متخصصانی چون وکیلان، معماران، پزشکان تنها یک دوره معین یا به شیوه ای نامنظم مشورت می‌کنند، اما نظام هایی دانش متخصصان را انسجام می‌بخشد بر بسیاری از جنبه های اعمال ما به شیوه مداوم تأثیر می‌گذارد (گیدنز، ۱۳۸۰: ۳۳).

مبانی نظری

فوکویاما اعتماد را مشارکت در ارزش‌ها و هنجارهای غیررسمی در میان اعضای گروهی که همکاری و تعاون میانشان مجاز است می‌داند (تونکیس، ۱۳۸۷: ۱۰۳، مظاهری، ۱۳۸۴: ۱۴). زتومکا اعتماد و اعتماد کردن را نوعی استراتژی مهم در مواجهه با شرایط نامعین و کنترل آینده می‌داند. (زتومکا، ۱۳۸۴: ۲۹).

اعتماد در واقع یک نگرش مثبت به فرد یا امری خارجی است و مبین میزان ارزیابی از پدیدهای است که با آن مواجهیم اعتماد دارای دو عنصر اعتماد کننده و اعتماد شونده است که میان آنان تعامل وجود دارد. در این تعامل اجتماعی طرفین انتظار دارند منافعی بر آورده شوند انتظارات متقابل مطرح است، یعنی هر دو طرف انتظار دارند که در پی روابط اجتماعی، از منابع آن بهره مند شوند و ضرر و زیان را به حداقل برسانند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۰: ۵).

به اعتقاد کلمن در یک رابطه مبتنی بر اعتماد حداقل دو طرف شرکت دارند: (۱) فرد مورد اعتماد (۲) فردی که اعتماد می‌کند (اعتمادکننده). در این رابطه هر دو طرف در دنبال کردن منافع خود هدفمند هستند و کنش های هر کنشگر معقول فرض می‌شود. در برخی موارد، کنشگر ممکن است هم اعتمادکننده باشد و هم مورد اعتماد قرار گیرد. در چنین مواردی کنشگر در تصمیم گیری مواجه است با:

الف) به عنوان اعتماد کننده، این که آیا به فرد مورد نظر اعتماد کند یا خیر؟

ب) به عنوان فرد مورد اعتماد، اینکه آیا رابطه مبتنی بر اعتماد را حفظ کند یا خیر؟ (کلمن، ۱۹۹۰: ۹۶)

زتومکا اعتماد و اعتماد کردن را نوعی راهبرد مهم در مواجهه با شرایط نامعین و کنترل آینده می‌داند. او سه مبنای اصلی برای اعتماد تعریف کرده است که عبارت از ارزشمندی اعتماد، بازتابی خوش بینی، عوامل و فرهنگ اعتماد (زتومکا، ۱۳۸۴: ۲۹). لوهمان اعتماد را از مفهوم اطمینان تمییز داد و معتقد است، اعتماد با مفهوم یا ریسک در ارتباط است و در دوران اخیر مدرنیته مطرح شده است. وی کارکرد اعتماد را در درون نظام اجتماعی مورد بررسی قرار می‌دهد و با کارکرد قانون در جامعه مقایسه می‌کند. به اعتقاد لوهمان کارکرد اعتماد در نظام اجتماعی این است که عدم تعیین اجتماعی را کاهش بدین ترتیب قابلیت پیش بینی رفتارها را افزایش می‌دهد. اعتماد در واقع یک مکانیسم اجتماعی است که در انتظارات، اعمال و رفتار افراد تنظیم و هدایت می‌شود (لوهمان، ۱۹۷۶: ۶).

فرهنگ اعتماد، پیوستگی فرد به اجتماع را قوی تر می‌کند. (خانواده، ملت، کلیسا) و به پیدایی احساس هویت کمک کرده و سبب انسجام گروهی می‌شود، که منجر به همکاری کمک متقابل و حتی آمادگی فدا شدن به نفع دیگران می‌شود. زمانی که فرهنگ اعتماد وجود دارد هزینه های مبادلاتی به صورت معنادار پایین آمده و شانس همکاری افزایش می‌یابد به طور خلاصه زمانی که اعتماد موجود است امکان افزایش ظرفیت های تجربه ای و کاری بالا می‌رود (پروساک و کوهن^۱، ۲۰۰۱).

اریک اسلانر در یک تقسیم بندی دیگر، اعتماد را در دو دسته تجربی و اخلاقی قرار می‌دهد و معتقد است که اعتماد تجربی مبتنی بر دانش و شناخت و خطر از قبل در ارتباط با افرادی است که آنها را می‌شناسیم. اما اعتماد اخلاقی به عنوان شالوده اعتماد عام در ارتباط با افرادی است که آن‌ها را نمی‌شناسیم و بیشتر افراد را در ارزش های اخلاقی اساسی سهیم و مشترک می‌دانیم. کلاس اوفه انواع اعتماد اجتماعی را مطرح کرده است: ۱. اعتماد شهروندان به همشهری های خود یا مقوله فرعی دنیای (دیگران)، ۲. اعتماد شهروندان به نخبگان سیاسی یا نخبگان سایر بخش ها (از قبیل نمایندگان کلیساها، رسانه ها، پلیس، نظام دادگاه ها یا پزشکان)، ۳. اعتماد نخبگان به یکدیگر و نخبگان دیگر بخش هایی از قبیل نخبگان بخش های

1. Prusak & Cohen

2. Mistral

تجاری، کارگری، دینی، دانشگاهی، ارتشی و... ۴. اعتماد سطوح بالا به سطوح پایین جامعه. (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۲۰۶-۲۰۷).

از نظر میسنزال تشکیل انجمن های مردمی جدا از اینکه باعث ایجاد اجتماع می گردد، نظم، خویشتنداری و حس مشارکت را نیز در مردم تقویت می کند. همچنین با ایجاد حس مشارکت و اعتماد متقابل به تأثیربخشی و پایداری حکومت دموکراتیک کمک می کند (میسنزال^۲، ۱۹۹۶: ۴۳).

براساس نظریه چلبی، اعتماد ریشه در وابستگی عاطفی دارد. به اعتقاد او هرگاه عواطف مثبت رشد یافته و بتواند در میان افراد انتقال یابند، اعتماد ایجاد و تقویت می گردد. در ارتباط با چگونگی انتقال عواطف او معتقد است که تعاملات اظهاری با روابط گرم در این زمینه نقش حیاتی دارند. تعاملات اظهاری برخلاف تعاملات ابزاری مانند مبادلات اقتصادی حاصل عواطف، دوستی و صمیمیت و اعتماد می باشد.

چلبی در نظریه خود علاوه بر تأثیر روابط اظهاری و ابزاری بر اعتماد بین شخصی به بررسی نقش این گونه روابط بر اعتماد تعمیم یافته می پردازد. به اعتقاد او تمایل به ایجاد روابط اظهاری و تمایل به ایجاد روابط ابزاری معکوس یکدیگر هستند. معکوس از این جهت که روابط اظهاری تمایل به این دارند که در حریم گروه های اولیه و اجتماعات طبیعی باقی بمانند، در حالی که روابط ابزاری تمایل به این دارند که در ورای گروه های اولیه و اجتماعات طبیعی مستقر شوند. بنابراین روابط ابزاری نقش بازکنندگی و روابط اظهاری نقش انسدادی را به ترتیب ایفا می کنند. در واقع با گسترش روابط ابزاری و باز شدن گروه های اولیه و اجتماعات طبیعی بر روی جامعه کل است که مسیر عبور روابط از درون گروه ها به بیرون آنها بالقوه مهیا می شود (چلبی، ۱۳۷۵: ۲۵۱). وی معتقدند در جوامع معاصر یکی از محل های برای جوش خوردن و ترکیب روابط ابزاری با روابط اظهاری، انجمن های داوطلبانه است (همان: ۲۵۳).

از سوی دیگر به نظر چلبی، پایه نظم هنجاری جامعه عاطفه است. احساس تعلق به جمع، اعتماد اجتماعی متقابل و دوستی متقابل که از مشخصه های اصلی همبستگی اجتماعی اند، همگی ریشه در وابستگی عاطفی افراد به یکدیگر دارند. وابستگی عاطفی یکی از ارکان اصلی اجتماع است در پاسخ به این سؤال که وابستگی عاطفی چگونه به وجود می آید؟ چلبی پاسخ می دهد که فرد به دو طریق با جامعه ارتباط برقرار می کند، یکی از طریق رابطه اجتماعی با

دیگران و دیگری از طریق عضویت در اجتماعات. هرگاه تعامل، به خصوص تعامل اجتماعی^۱ مداوم پیدا کند، به رابطه اجتماعی^۲ تبدیل می شود، این رابطه باعث وابستگی عاطفی می گردد، پس رابطه اجتماعی وابستگی عاطفی تولید می کند وابستگی عاطفی ایجاد شده نیز به نوبه خود حافظ این رابطه می گردد (همان: ۱۱۰).

حال در صورتی که پیوند اجتماعی ضعیف باشد به همان میزان انتظارات افراد از یکدیگر در انجام تعهدات، نامشخص می شود سوء تفاهم نیز افزایش یافته و به دنبال آن هماهنگی در روابط اجتماعی کاهش می یابد.

دورکیم به نیروی نظارت درونی شده در وجدان فردی معتقد است. او مجاب شده بود که جامعه باید در درون فرد حضور داشته باشد و دین را نیرویی دانست که در درون فرد احساس الزام اخلاقی و هواداری از درخواست های جامعه را ایجاد می کند (کوزر، ۱۳۷۷: ۱۹۷). او به کارکردهای اجتماعی دین از طریق دو عنصر بنیادی آن یعنی باورها و به ویژه مناسک دینی اعتقاد داشت. از نظر او دین زائیده مناسک است. چرا که مناسک یعنی تجلی باورها و عرصه به عینیت در آوردن آنهاست. از نظر او تشریفات و مناسک دینی هر قدر هم که کم اهمیت باشند، باعث به حرکت درآمدن اجتماع می شود. گروه هایی از مردم برای برگزاری این جشن ها گرد هم می آیند. پس نخستین اثر آنها این است که افراد را به هم نزدیک می کنند، بر تماس هایشان با یکدیگر می افزایند و صمیمیت بیشتری بین آنها ایجاد می کنند و آدمی را وادار به ایثار، فداکاری و مودت می کنند. دین باعث تثبیت توازن اعتماد خصوصی و عمومی می شود و باعث گسترش اعتماد اجتماعی خواهد شد. از جهت دیگر دورکیم می گوید که برگزار کردن مراسم و مناسک جمعی (جشن ها، اعیاد و مراسم مذهبی) سبب تعامل میان مردم می شود که همین تعامل بین آنها، ایجاد اعتماد می کند.

همچنین دورکیم اعتقاد دارد که اخلاق گرایی در جوامع جدید، فردیت گرایی را نیز مجال بروز می دهد و حقوق فردی را نیز محترم می شمارد، پس سرشت دگر دوستی همواره پایه بنیادی حیات اجتماعی ما خواهد بود. آدمیان نمی توانند بدون توافق با هم، در نتیجه بدون پذیرش ایثارهای متقابل، بدون برقراری پیوندهای پایدار با یکدیگر، به صورت تجمعی زندگی کند. فرد عادت می کند که درباره ارزش وجودی خویش برآورد درستی داشته باشد. یعنی بداند

1. communal interaction

2. communal relation ship

که خودش چیزی غیر از جزئی از کل نیست. اندامی است که در کلیت یک پیکر زنده، ماهیت این گونه احساس ها چنان است که نه تنها ایثارهایی را که لازمه گسترش منظم حیات اجتماعی روزمره است، هر روز در جان فرد ایجاد می کند؛ بلکه حتی در فرصت های معین سبب می شود که وی به از خودگذشتگی های کامل و فداکاری های بدون هیچ چشم داشت دست بزند. جامعه نیز به سهم خود، می آموزد که به افراد سازنده خویش نه به چشم چیزهایی که وی در آن حقی ندارد، بلکه به دیده همکارانی بنگرد که جامعه قادر به چشم پوشی از آنها نیست و در برابر آنها وظایفی دارد (دورکیم، ۱۳۶۹: ۲۴۶-۲۴۳).

دورکیم معتقد است ضرورت های اصلی جامعه فرد را به گونه ای می سازد که او از خود گذشته باشد. انسان باید موجودی اخلاقی باشد، باید چیزهای مهم را به دیگران اختصاص دهد تا خودش با جامعه احساس یگانگی کند احساس تکلیف و دیگر خواهی همچون نیروی اخلاقی که رفتار خودمدارانه افراد را محدود می سازد، اصول همبستگی و پیوند اجتماعی را تشکیل می دهد. انسان ها نمی توانند بدون پذیرفتن یکدیگر با هم زندگی کنند و در نتیجه نمی توانند از خودگذشتگی متقابل داشته باشند و نمی توان بدون اتصال خود به دیگری از طریق رشته های قوی و مستحکم با هم زندگی کنند (میسترال، ۱۳۸۰: ۶۰-۶۱).

در نتیجه جامعه ای که از افراد محاسبه گر، منفعت جو و خودمدار تشکیل شده باشد، به هیچ وجه نمی تواند یک جامعه باشد، چرا که مال اندوزی و خودمداری عقلانی همبستگی اجتماعی را نابود می سازد. دورکیم وجود گروه های حرفه ای را ضروری می داند این گروهها افراد را در ارتباط شخصی و نزدیک با دیگران قرار می دهند و امکان روابط اجتماعی و کنش منظم را فراهم می سازد و در نتیجه پیوندهای عاطفی میان آنها را شدت می بخشند. رشد پیوندهای عاطفی و علاقه متقابل در اعضای گروه می تواند زمینه ساز اطمینان و اعتماد متقابل باشند.

چارچوب نظری

چارچوب نظری براساس تلفیق دیدگاه های نظری چلبی، دورکیم می باشد. هسته اساسی مدل تحلیل کنش و تعاملات اجتماعی است که خود پایه و اساس اعتماد اجتماعی را تشکیل می دهد. چرا که تعامل زمینه ساز احساسات مثبت و وابستگی عاطفی به دیگران است. اعتماد در تعامل اجتماعی شکل می گیرد و در طول زمان تقویت می شود. با افزایش تعاملات دایره

شمول افرادی که می توان به آنها اعتماد کرد، وسیع می گردد و در واقع گروهی که فرد عضویت آن را پذیرفته و اجتماعی که او به آن تعلق دارد بزرگ تر می شود.

اگر تعاملات اظهاری و گسترده‌گی روابط به گونه ای رشد یابند که احساس تعلق خاطر جمعی و همچنین همبستگی اجتماعی در بالاترین سطح خود قرار گیرد، می توان انتظار داشت پیوندهای اجتماعی مستحکم تر شده و افراد در رابط خود با سایر اعضای جامعه دگرخواهانه عمل می کنند. ضرورت های اصلی جامعه فرد را به گونه ای می سازد که او از خودگذشته باشد. انسان باید موجودی اخلاقی باشد، باید چیزهای مهم را به دیگران اختصاص دهد تا خودش با جامعه احساس یگانگی کند (میستزال، ۱۳۸۰: ۶۰). احساس تکلیف و دیگر خواهی همچون نیروی اخلاقی که رفتار خودمدارانه افراد را محدود می سازد، اصول همبستگی و پیوند اجتماعی را تشکیل می دهد. آدمیان نمی توانند بدون توافق با هم، در نتیجه بدون پذیرش ایثارهای متقابل، بدون برقراری پیوندهای پایدار با یکدیگر، به صورت تجمعی زندگی کند. وجود مناسک دینی افراد را به هم نزدیک می کنند، بر تماس هایشان با یکدیگر می افزایند و صمیمیت بیشتری بین آنها ایجاد می شود و آدمی را وادار به ایثار، فداکاری و مودت می کنند اگر چنین امری تحقق یابد، زمینه ای فراهم می شود که در آن انسانیت اهمیت می یابد و انسان ها مورد عزت و احترام قرار می گیرند. به این معنا که دیگر انسان ها به عنوان موجوداتی محاسبه گردد، منفعت جو و خودمدار، خودخواه، حریص، ستیزه جو، قدرت طلب، غیر قابل اعتماد و... مطرح نمی باشند بلکه بر عکس، آنها به عنوان موجوداتی صلح طلب، خواهان آرامش و امنیت، مشارکت جو، نوع دوست، دگرخواه و قابل اعتماد مورد توجه قرار می گیرند.

فرضیه های تحقیق:

فرضیه اصلی: به نظر می رسد بین تعاملات اجتماعی و اعتماد اجتماعی رابطه وجود دارد.

فرضیه های فرعی:

به نظر می رسد بین پیوندهای اجتماعی و اعتماد اجتماعی رابطه وجود دارد.

به نظر می رسد بین دینداری و اعتماد اجتماعی رابطه وجود دارد.

به نظر می رسد بین دگرخواهی و اعتماد اجتماعی رابطه وجود دارد.

روش شناسی

تحقیق حاضر از لحاظ روش پیمایشی، واحد تحلیل آن شهروندان تهرانی می باشند. از لحاظ معیار زمان یک تحقیق مقطعی است، چرا که در یک زمان صورت گرفته، واقعیت را در یک برهه از زمان یعنی در سال ۸۹ بررسی می کند. با توجه به میزان ژرفایی در میان تحقیقات پهنانگر قرار دارد زیرا قصد داریم فقط یک پدیده اجتماعی به نام اعتماد اجتماعی شهروندان تهرانی را مورد بررسی قرار دهیم. در حقیقت تأثیر تعاملات اجتماعی را روی اعتماد اجتماعی دنبال می کنیم. همچنین یک تحقیق در سطح جامعه شناسی خرد است. موضوع مورد بررسی را بر روی افراد یعنی شهروندان تهرانی مطالعه می کند. در نهایت با توجه به این که به دنبال شناخت و کمک به حل مسئله اجتماعی است در دسته تحقیقات کاربردی قرار می گیرد. جامعه آماری تحقیق حاضر شامل کلیه شهروندان بالای ۱۸ سال ساکن شهر تهران در سال ۸۹ در منطقه ۳ و ۱۷ می باشند. برای تعیین حجم نمونه تحقیق از فرمول کوکران استفاده گردید که براساس آن ۴۰۰ نفر به عنوان حجم نمونه به دست آمد. (۸ عدد پرسشنامه ها به خاطر داده های پرت حذف گردید).

تعریف نظری و عملیاتی متغیر وابسته اعتماد اجتماعی:

تعریف نظری متغیر وابسته: اعتماد اجتماعی

در تعریفی که جانسون از اعتماد می کند، اعتماد «یجاد ارتباط با دیگری و در خواست پذیرش و حمایت آشکار از دیگران، خودتکمیلی در روابط و انطباق با انتظارات دیگران» است. جانسون عناصر تشکیل دهنده اعتماد را صراحت و بازبودن، سهیم کردن، پذیرش، حمایت، تمایلات همکاری جویانه و رفتار مبتنی بر اعتماد می داند، اعتماد اجتماعی را می توان حسن ظن فرد نسبت به سایر اعضای جامعه تعریف کرد که این امر موجب گسترش و تسهیل روابط اجتماعی فرد با آنها می شود (امیر کافی، ۱۳۸۰: ۱۸).

تعریف عملیاتی: اعتماد اجتماعی دارای یک بعد شامل اعتماد بین شخصی است که این بعد دارای شاخص های زیر می باشد: صداقت، صراحت، اطمینان، سهیم کردن، تمایلات همکاری جویانه، رفتاری مبتنی بر اعتماد سنجیده شده است.

تعریف نظری متغیر مستقل تعاملات اجتماعی: تعامل در فرهنگ و بستر کنش و اثر متقابل معنا شده است. تعامل اجتماعی مفهومی است که با شیوه، میزان، شدت و به طور کلی انواع

گونگون کنش و واکنش بین انسانها در یک گروه جمع یا جامعه سر و کار دارد (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۳۶۵).

تعریف عملیاتی: تعاملات اجتماعی دارای دو بعد است: تعاملات اظهاری و تعاملات ابزاری تعاملات اظهاری دارای شاخصهای خانواده، آشنایان، همسایگان، دوستان، جامعه می باشد. اعتبار^۱ و روایی^۲: برای تعیین اعتبار ابزار اندازه گیری، پرسشنامه حاوی سؤالات مربوط به متغیرهای مستقل (تعاملات اظهاری، پیوندهای اجتماعی، دگرخواهی، دینداری) و متغیر وابسته اعتماد اجتماعی در اختیار اساتید قرار گرفت و بعد از جمع آوری نظرات آنان گویه های ضعیف و نامناسب حذف و یا اصلاح شدند. همچنین برای تعیین پایایی گویه ها ابتدا با آزمودن پرسشنامه از طریق یک پیش آزمون با نمونه ای ۳۳ نفره سؤالات ضعیف حذف و پایایی سایر گویه ها با ضریب آلفای کرونباخ تأیید شد.

یافته های تحقیق

جدول شماره ۱: توزیع فراوانی پاسخگویان به تفکیک اعتماد اجتماعی

اعتماد اجتماعی	فراوانی	درصد
خیلی کم	۷	۱/۸
کم	۴۹	۱۲/۵
متوسط	۱۶۰	۴۰/۸
زیاد	۱۳۰	۳۳/۲
خیلی زیاد	۳۸	۹/۷
جمع	۳۸۴	۰/۹۸
بی پاسخ	۸	۰/۰۲
جمع کل	۳۹۲	۱۰۰

1. validity
2. reliability

تفسیر: با توجه به جدول توزیع فراوانی پاسخگویان به تفکیک اعتماد اجتماعی، ۱/۸ درصد افراد اعتماد اجتماعی خیلی کم داشته اند ۱۲/۵ درصد کم ۴۰/۸ درصد متوسط ۳۳/۲ درصد زیاد و ۹/۷ درصد خیلی زیاد اعتماد اجتماعی داشته اند در مجموع ۰/۹۸ درصد به این سؤال پاسخ داده اند ۰/۰۲ درصد به این سؤال پاسخ نداده اند. ۸۸ درصد پاسخگویان اعتماد اجتماعی متوسط به بالایی داشته اند.

جدول شماره (۲): توزیع فراوانی و درصدی پاسخگویان به تفکیک تعاملات اجتماعی

درصد	فراوانی	تعاملات اجتماعی
۸/۷	۳۴	خیلی کم
۶۱/۲	۲۴۰	کم
۲۷/۶	۱۰۸	متوسط
۰/۰۱	۴	زیاد
۰/۳	۱	خیلی زیاد
۹۸/۷	۳۸۷	جمع
۱/۳	۵	بی پاسخ
۱۰۰	۳۹۲	جمع کل

تفسیر: با توجه به جدول توزیع فراوانی پاسخگویان به تفکیک تعاملات اجتماعی، ۸/۷ درصد افراد تعاملات اجتماعی خیلی کم ۱/۲ درصد کم ۲۷/۶ درصد متوسط ۰/۱ درصد زیاد و ۰/۳ درصد خیلی زیاد تعاملات داشته اند ۱/۳ درصد به این سؤال پاسخ نداده اند. ۲۸ درصد پاسخگویان تعاملات اجتماعی متوسط به بالایی داشته اند.

آمار استنباطی

فرضیه ۱: به نظر می رسد بین تعاملات اجتماعی و اعتماد اجتماعی رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۳: نتایج ضریب همبستگی پیرسون فرضیات

تعاملات اجتماعی	دینداری	دگرخواهی	پیونداجتماعی
همبستگی پیرسون Sig	۰/۳۵۹	۰/۲۹۵	۰/۳۹۶
اعتماد	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

تفسیر: با توجه به نتایج ضریب همبستگی پیرسون بین دو متغیر اعتماد اجتماعی و تعاملات اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به میزان قدر مطلق ضریب همبستگی پیرسون مشخص می شود که این رابطه ضعیف متوسط و مستقیم است (جدول شماره ۳).

فرضیه ۲: به نظر می رسد بین دینداری و اعتماد اجتماعی رابطه وجود دارد. با توجه به نتایج ضریب همبستگی پیرسون دو متغیر اعتماد اجتماعی و دینداری، بین این دو متغیر رابطه معناداری وجود دارد. و با توجه به میزان قدر مطلق ضریب همبستگی پیرسون مشخص می شود که این رابطه ضعیف و مستقیم است. (جدول شماره ۳)

فرضیه ۳: به نظر می رسد بین پیوندهای اجتماعی و اعتماد اجتماعی رابطه وجود دارد. با توجه به نتایج ضریب همبستگی پیرسون دو متغیر اعتماد اجتماعی و پیوندهای اجتماعی، بین این دو متغیر رابطه معناداری وجود دارد و با توجه به میزان قدر مطلق ضریب همبستگی پیرسون مشخص می شود که این رابطه متوسط و مستقیم است. (جدول شماره ۳)

فرضیه ۴: به نظر می رسد بین دگرخواهی و اعتماد اجتماعی رابطه وجود دارد. با توجه به نتایج ضریب همبستگی پیرسون دو متغیر تعاملات اجتماعی و دگرخواهی، بین این دو متغیر رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به میزان قدر مطلق ضریب همبستگی پیرسون مشخص می شود که این رابطه ضعیف متوسط و مستقیم است. (جدول شماره ۳)

بررسی مدل تحقیق

مدل تحقیق را از دو راه رگرسیون چند متغیری و تحلیل مسیر مورد بررسی قرار می دهیم.

الف) رگرسیون چند متغیری: پیش شرط رگرسیون چند متغیره وجود همبستگی بین متغیرها می باشد که باید ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل و وابسته معنادار شود که نتایج فرضیه های بالا حاکی همین نتایج بوده است.

روش مورد استفاده در رگرسیون چند متغیره رگرسیون گام به گام است که در آن بالاترین همبستگی یک به یک وارد معادله می شوند رگرسیون تنها تا چهار گام پیش رفته، با توجه به نتایج جدول بالا و با توجه به ضریب تعیین متغیرهای مستقل، مدل چهار را انتخاب می کنیم.

جدول شماره ۴: ضرایب رگرسیونی مربوط به مدل های پیش بینی شده

مدل	مجدور ضریب تعیین (R2)	ANOVA	متغیرهای رگرسیونی	B ضریب تاثیر	Beta (بتا)	Sig.
estepwise	.۲۷	sig=۰۰۰	(Constant) مقدار ثابت	۳۶.۱۰۶		۰/۰۰۰
			پیوند اجتماعی	۰/۴۲۹	۰/۲۵۴	۰/۰۰۰
			دگرخواهی	۰/۲۸۶	۰/۱۹۲	۰/۰۰۰
			تعاملات اجتماعی	۰/۱۷۴	۰/۱۷۴	۰/۰۰۱
			دینداری	۰/۱۳۶	۰/۱۱۶	۰/۰۱۹

همان طور که در رابطه تک تک متغیرها که بررسی شد همه متغیرهای مستقل با متغیر اعتماد اجتماعی رابطه داشته اند ولی براساس مقادیر B معادله رگرسیون برای پیش بینی را می توان به شرح ذیل نوشت.

معادله خطی رگرسیون برای پیش بینی $y=a+b1x1$

$y=۳۶/۱۰۶$ معادله خطی رگرسیون برای پیش بینی

(دینداری) (۰/۱۴) + (تعاملات اجتماعی) (۰/۱۷) + (دگرخواهی) (۰/۲۹) + (پیوند) (۰/۴۳) +

مقدار عرض از مبدا (مقدار ثابت) ۳۶/۱ می باشد با توجه به ضرایب تأثیر متغیرهای فوق

به ازای تغییر متغیر پیوند اجتماعی به میزان ۰/۴۳، متغیر دگرخواهی به میزان ۰/۲۹، و متغیر

تعاملات اجتماعی به میزان ۰/۱۷، و متغیر دینداری به میزان ۰/۱۴، متغیر اعتماد اجتماعی به

میزان یک انحراف معیار افزایش می یابد.

جهت مقایسه میزان تأثیرگذاری متغیرهای مستقل از معادله رگرسیون خطی با ضرایب استاندارد شده استفاده می شود. در پی پاسخ به این سؤال که بین این چهار متغیر مستقل بیشترین تأثیر مربوط به کدام متغیر است، از معادله رگرسیونی استاندارد شده استفاده می کنیم. براساس مقادیر $beta$ معادله خطی استاندارد شده را می نویسیم.

$$Y = B1X1 + B2X2 + B3X3$$

معادله خطی استاندارد شده

(دینداری) (۰/۱۱۶) + (تعاملات) (۰/۱۷۴) + (دگرخواهی) (۰/۱۹۲) + (پیوند) (۰/۲۵۴) $Y =$ معادله خطی استاندارد شده

بیشترین تأثیر متغیرهای مستقل به ترتیب بر اعتماد اجتماعی عبارتند از: پیوند اجتماعی، دگرخواهی تعاملات اجتماعی و دینداری بوده است.

ب) تحلیل مسیر:

در این قسمت به بررسی روابط بین متغیرها پرداخته شده است که به دلیل رعایت اختصار از آوردن همه جداول صرف نظر شده و به برخی از جداول اکتفا شده است.

جدول شماره ۵:

روش	مدل	R	R2	Adjusted R Squar	Std. Error the Estimate
enter	۱	۰/۵۲۴	۰/۲۷۵	۰/۲۶۷	۶/۶۷۹۴۰

جدول تحلیل مسیر

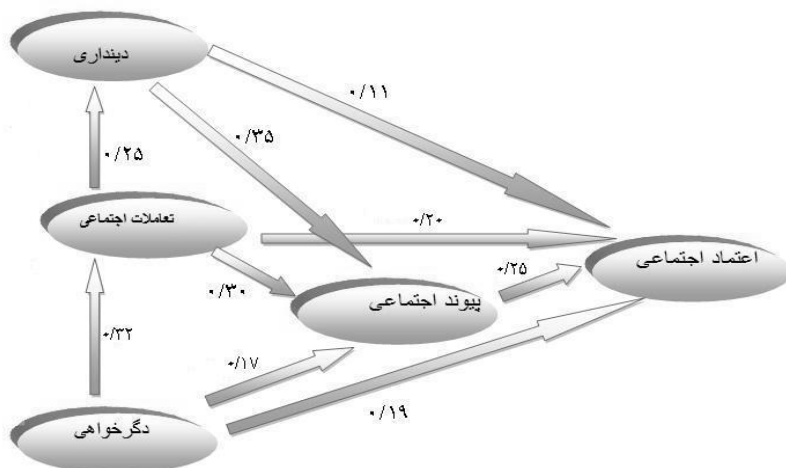
sig	t	استاندارد نشده		مدل		
		استاندارد شده	انحراف B			
۰/۰۰۰	۱۰/۷۹۳		۳/۳۴۵	۳۶/۱۰۶	۱	عدد ثابت
۰/۰۰۱	۳/۴۱۰	۰/۱۷۴	۰/۰۵۱	۰/۱۷۴		تعاملات اجتماعی
۰/۰۱۹	۲/۳۵۶	۰/۱۱۶	۰/۰۵۸	۰/۱۳۶		دینداری
۰/۰۰۰	۳/۹۹۹	۰/۱۹۲	۰/۰۷۲	۰/۲۸۶		دگرخواهی
۰/۰۰۰	۴/۶۱۹	۰/۲۵۴	۰/۰۹۳	۰/۴۲۹		پیوند

با توجه به ضرایب $Beta$ استخراج شده از جداول رگرسیونی اثرات مستقیم و غیرمستقیم هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته محاسبه می گردیده و به صورت زیر می باشد.

جدول شماره ۶: ضرایب مسیرهای مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای مستقل بر وابسته

متغیر مستقل	مسیرهای غیر مستقیم	ضرایب مسیرهای غیر مستقیم	مجموع ضرایب غیر مستقیم	ضرایب مستقیم	مجموع ضرایب مستقیم و غیر مستقیم
تعاملات اجتماعی (X) _۱	$X_1X \rightarrow y_4$ $X_1X \rightarrow y_3$ $X_1X \rightarrow X_2 \rightarrow y_4$	$0/30 * 0/25 = 0/075$ $0/25 * 0/11 = 0/0275$ $0/25 * 0/35 * 0/25 = 0/022$	0/124	0/174	0/298
دینداری (X) _۲	$X_2X \rightarrow y_4$	$0/35 * 0/25 = 0/0875$	0/0875	0/11	0/197
دگرخواهی (X) _۳	$X_3X \rightarrow y_4$ $X_3X \rightarrow X_1 \rightarrow y_4$ $X_3X \rightarrow X_2 \rightarrow y_4$ $X_3X \rightarrow X_1 \rightarrow X_2 \rightarrow y_4$	$0/20 * 0/25 = 0/05$ $0/33 * 0/30 * 0/25 = 0/02475$ $0/33 * 0/25 * 0/11 = 0/009075$ $0/33 * 0/25 * 0/35 * 0/25 = 0/0072$	0/05 0/02475 0/009075 0/0072	0/19	0/2813
پیوند اجتماعی (X) _۴	-----	-----	-----	0/25	0/25

مدل تحقیق



بحث و نتیجه گیری

یافته های تحقیق نشان می دهد که در گام اول متغیرهای تعاملات اجتماعی، پیوند اجتماعی، دگرخواهی، دینداری رابطه معناداری را با اعتماد اجتماعی نشان می دهد.

در گام دوم آزمون فرضیه ها تحقیق در بخش تحلیل رگرسیون، متغیرهای تعاملات اجتماعی، پیوند اجتماعی، دگرخواهی، دینداری رابطه معناداری را با متغیر وابسته نشان داده اند و در مجموع به ترتیب پیوند اجتماعی، تعاملات اجتماعی، دگرخواهی، دینداری از بیشترین میزان تأثیرگذاری بر اعتماد برخوردار بودند.

در این تحقیق به این نتیجه رسیده ایم: هر چه افراد راحت تر بتوانند با هم کنار بیایند، و از هم کمتر دور باشند (از نظر اجتماعی) اعتماد بیشتری بین آنها ایجاد می شود. که نتایج تحقیق حاضر نتایج تحقیق جی گتو، بلوم و کوثری را تأیید کرده است همچنین پوتنام نیز بر پیوندهای اجتماعی تأکید کرده است وی اعتقاد دارد که افراد از طریق اتصال و پیوستگی، افراد هنجارهای اساسی، مشارکت، همکاری و مبادله یاد می گیرند و سپس به همدیگر اعتماد می کنند. نظریه وی و همچنین نظریه چلبی تایید شده است.

در تحقیق حاضر دینداری به عنوان یکی از متغیرها با اعتماد اجتماعی رابطه داشته است که نظر دورکیم تأیید شده است هرچه قدر میزان این دینداری در افراد بیشتر باشد اعتماد اجتماعی نیز بیشتر می شود. وی همچنین بر متغیر دگرخواهی تأکید کرده است از نظر وی آدمیان نمی توانند بدون توافق باهم، در نتیجه بدون پذیرش ایثارهای متقابل، بدون برقراری پیوندهای پایدار با یکدیگر، به صورت تجمعی زندگی کند. فرد عادت می کند که درباره ارزش وجودی خویش برآورد درستی داشته باشد. احساس تکلیف و دیگر خواهی همچون نیروی اخلاقی که رفتار خودمدارانه افراد را محدود می سازد، اصول همبستگی و پیوند اجتماعی را تشکیل می دهد، که نظریه وی در این تحقیق تأیید شده است.

تحقیق حاضر در پی پاسخ به این سؤال که تعاملات اجتماعی چه رابطه ای با اعتماد اجتماعی دارد به این نتیجه رسیده است که بین تعاملات اجتماعی، پیوندهای اجتماعی، دگرخواهی، دینداری، و اعتماد اجتماعی رابطه معناداری وجود داشته است. عواملی نظیر پیوند اجتماعی، دگرخواهی و دینداری فضایی به وجود می آورد که در آن افراد خود را متعلق به همدیگر دانسته و پیوند افراد مستحکم تر می شود. در سایه حس دگرخواهی منافع دیگران را بر منافع خود ترجیح می دهد که این خود نیز در پرتوی دینداری به وجود می آید و در نتیجه تعاملات آنها افزایش می یابد در واقع این عوامل تعاملات را بالا برده و در نتیجه اعتماد اجتماعی نیز افزایش پیدا می کند.

پیشنهادهای

با توجه به اهمیت اعتماد اجتماعی در جامعه باید در جستجوی راههایی بود که موجبات افزایش آن فراهم آید.

۱- یکی از عوامل اصلی ایجاد اعتماد اجتماعی تعاملات اجتماعی است، که هسته اساسی گروه اجتماعی را تشکیل می دهد. بر این اساس می باید در جستجوی شرایطی بود که امکان رشد گروه های داوطلبانه فراهم آید، تا تعاملات اظهاری تنها به خانواده و خویشاوندان محدود نگردد.

۲- باید زمینه های که شبکه ارتباطی بین مردم (سرمایه اجتماعی) را گسترده می سازد. افزایش یابد. بدین ترتیب بده بستان های عاطفی میان فرد و سایر اعضای جامعه صورت گیرد. سرمایه اجتماعی موجب می شود، که اعضای جامعه به هم اعتماد کنند

و با تشکیل گروه ها و شرکت های جدید با یکدیگر همکاری کنند، این چیزی است که جامعه ما امروز بدان نیاز دارد. با توجه به تغییراتی که در چند دهه اخیر صورت گرفته است (افزایش جمعیت، ایجاد شهرهای بزرگ، تحولات اقتصادی...) دیگر نمی توان اعتماد اجتماعی را تنها به خانواده و خویشاوندان محدود دانست، بر این اساس ما باید در جستجوی راه های باشیم که احساس تعلق جمعی در افراد افزایش یابد.

۳- یکی از عواملی که احساس تعلق جمعی را موجب می گردد مراسم و مناسک ملی است، که باید به آنها بهاء داده شده و تقویت گردند.

۴- تفاوت اعتماد بین شخصی (اعتماد به نزدیکان) با سایر افراد جامعه و نهادها نشان می دهد که روابط و تعاملات تنها به گروه های اولیه محدود شده و به متن جامعه گسترش نیافته است که این امر خلأ میان دو حوزه مذکور را موجب شده است. ضرورت همکاری و مشارکت شهروندان در سطح جامعه برای رسیدن به توسعه و پیشرفت نیاز به گروه های واسط یا تشکل های مدنی (احزاب، اصناف، اتحادیه ها، انجمن های داوطلبانه، NGO ها...) را ایجاب می کند.

منابع

فارسی

- امیرکافی، م. (۱۳۷۴)، اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن، کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه شهید بهشتی.
- امیرپور، م. (۱۳۸۶)، بررسی جامعه شناختی میزان اعتماد اجتماعی گروه های قومی نسبت به سیاست های اجتماعی دولت. رساله دکتری جامعه شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی
- پاتنام، ر. (۱۳۸۰)، دموکراسی و سنت های مدنی، محمدتقی دلفروز، تهران: غدیر.
- تاجبخش، ک. (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی (اعتماد، دموکراسی و توسعه). افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: شیرازه.
- ترنر؛ ج. اچ. و؛ بیگلی. ا. (۱۳۷۱)، پیدایش نظریه های جامعه شناسی. ترجمه عبدالعلی لهسایی زاده. چاپ اول. شیراز.

- تونکس، ف. (۱۳۸۷)، اعتماد و سرمایه اجتماعی، محمدتقی دلفروز، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- چلبی، م. (۱۳۷۵)، جامعه شناسی نظم، نشر نی.
- دورکیم، ا. (۱۳۶۹)، درباره تقسیم کار اجتماعی. ترجمه باقر پرهام. چاپ اول. کتابسرای بابل
- زتومکا، پ. (۱۳۸۴)، اعتماد یک نظریه جامعه شناسی، مترجم فاطمه گلابی، تبریز، ناشر مترجم، چاپ اول پاییز.
- ساروخانی، ب. (۱۳۸۰)، درآمدی بر دایره المعارف علوم اجتماعی، تهران: انتشارات کیهان
- شایان مهر، ع. ر. (۱۳۸۰)، دایره المعارف تطبیقی علوم اجتماعی، تهران: انتشارات کیهان
- عمید، ح. (۱۳۶۹)، فرهنگ عمید، چاپ سوم، تهران: نشر امیرکبیر
- غفاری، غ. ر. (۱۳۸۳)، اعتماد اجتماعی در ایران، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- کوثری، م. (۱۳۷۵)، بررسی تأثیر انسجام اجتماعی بر میزان مشارکت روستائیان استان خراسان در فعالیت های عمرانی، پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد رشته جامعه شناسی دانشگاه تربیت مدرس.
- کلمن، س. ج. (۱۳۷۷)، بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- کمالی، ا. (۱۳۸۲)، مطالعه تطبیقی اعتماد اجتماعی در دو حوزه فرهنگ و سیاست، رساله دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی: دانشگاه تهران.
- کوزر، ل. (۱۳۷۳)، بزرگان اندیشه جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- گیدنز، آ. (۱۳۸۰)، پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز
- گیدنز، آ. (۱۳۷۸)، تجدد و تشخص، ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.

- محسنی تبریزی، ع. (۱۳۸۰)، بررسی مفهوم اعتماد با رویکرد روانشناختی اجتماعی، نمایه پژوهش سال پنجم، شماره ۱۸، تابستان.
- مظاهری، ر. (۱۳۸۴)، بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن آزمون تجربی در شهر اراک، ارشد پژوهش، دانشکده علوم اجتماعی: دانشگاه تهران.
- میسترال، ب (۱۳۸۰)، اعتماد در جوامع مدرن کنکاشی در طول نظم اجتماعی. ترجمه ناصرالدین غراب، در نمایه پژوهش، شماره ۱۸. تهران

انگلیسی

- Coleman, J. (1990), **foundation of social theory.** Massachusetts: press of Harrard university.
- Giddens, A. (1992). **The consequences of modernity.** Cambridge. polity press.
- Gambetta, D. (1988), **Mafia: the price of distrust,** in D. Gambetta (ed.), *Trust: Making and Breaking Cooperative Relations, Oxford: Blackwell, pp, 154-175.*
- Luhman, N. (1979), **Trust and power,** New York :John Wiley.
- Misztal, B. (1996). **Trust In Modern Societies: The Search For The Bases Of Social Order.** Cambridge polity press.
- Putnam, R. (1995), **Social Capital.** American Prospept, spring.
- Prusak .L & D, Cohen. (2001). **in Good company How social capital makes organization work.** Harward Business school press.
- Sztompka, P. (1999). **trust asociological throphy .comberidge university press, camberidge**